



حقوقدان محترمه  
طوبی هاشمی

## حاکمیت قانون و صلاحیت‌گزینی از دیدگاه قانونی و حقوقی در جامعه امروزی

هر یک از ما در زندگی، حق‌گزینش داریم و  
می‌توانیم اندیشه‌ها و امسالات خود را برگزینیم.  
پنانچه آگاهانه به‌گزینش نپردازیم، بهای آن را  
خواهیم پرداخت.

ضرورت‌گزینش، ضرورتی عقلی، منطقی و انکارناپذیر است، گزینش سنت‌الهیست که با برگزیدن بندگان خالص و برترین انسانها توسط پروردگار عالمیان برای هدایت نوع بشر آغاز شده است. گزینش در مرتبه پائین‌تر به عنوان امر عقلی از اوان زندگی در ابتدایی‌ترین امور تا سرنوشت‌سازترین آن ادامه پیدا می‌کند، انتخاب دوست، رشته تحصیلی، شغل، همسر و... همه و همه نوعی گزینش است که هر کس با نگرش و دیدگاه‌های ارزشی خود اقدام به انتخاب بهترین‌ها می‌کند. امر انتخاب و گزینش نیروی انسانی بعنوان یکی از با ارزش‌ترین منابع و سرمایه‌های هر نظام اداری نیز متأثر از نگرشها و ارزشها و اهداف هر سازمانی بوده و طی تکامل و مدرنیته شدن علوم اداری متناسب با شرایط و مقتضیات زمان دچار تغییر و تحول اساسی شده است. امروزه در اغلب کشورهای جهان برای انتصاب کارگزاران در مناصب

حکومتی، گزینشی سختگیرانه با طی فرآیندی طولانی همراه است و تا حصول اطمینان از نوع نگرش و افکار و اندیشه های افراد نسبت به جذب قطعی آنها اقدام نمی نمایند.

حاکمیت قانون، به ویژه در دهه های اخیر، بسیار مورد توجه در عرصه های سیاسی، حقوقی و اقتصادی قرار گرفته است. این اصل کلی و مهم حقوقی خود را بر نظام های حقوقی و سیاسی تحمیل می کند، به گونه ای که در حال حاضر، حاکمیت قانون یکی از مهم ترین ارکان حکمرانی خوب شناخته شده است و دارای ارزش جهان شمولی گردیده است.

و تا وقتی حاکمیت قانون در یک کشور برقرار نشده و مورد احترام همگان نباشد، آن نظام، نظام حقوقی به معنای امروزی محسوب نمی شود. حکومت قانون، حکومت بر مبنای دلایل قانونی است. اعمال و تصمیمات حکومت باید ریشه در قانون داشته باشد. در یک کلام، حکومت قانون، بیانگر ساختار هنجاری و نهادی یک دولت مدرن است که در آن وظیفه ی تضمین حق های فردی به نظام حقوقی سپرده شده است که تمایل طبیعی قدرت سیاسی به سرکشی و خودسری را مهار کند. حکومت قانون نقطه ی مقابل حکومت شخص است در جوامع مدرن حکومت خوب با اراده نوعی قوانین عام و کلی اداره می شود نه با اراده ی شخصی و خودکامه افراد خاص. دو دیدگاه در ارتباط با حاکمیت قانون می تواند وجود داشته باشد. اول نگاه شکلی به حاکمیت قانون است و دوم نگاه ماهوی. از منظر شکلی شیوه ای رویه ای برای جلوگیری از عمل خودسرانه حکومت و دفاع از آزادی های فردی برداشت شکلی از حاکمیت قانون درباره ی چگونگی وضع قانون فاقد حکم است. در این دیدگاه آنچه مهم است این است که قانون از طریق مراجع ذیصلاح تصویب شده و از ویژگی های ذاتی قانون برخوردار باشد. البته اصولی کلی در دل حاکمیت قانون نهفته است مانند: امری بودن، عام بودن، واضح بودن، علنی بودن، الزام آور بودن، معطوف به آینده بودن، مفید به قطعیت بودن. و ویژگی های نظیر تأمین کننده منفعت عموم، منطبق با اخلاق، معطوف، کارآمد، پاسخ گویی نیازهای جامعه و در پایان اصولی مثل؛ اعمال حقوق رویه ای که «حقوق رویه ای به حقوقی اطلاق می شود که تمهیدات، مکانیسم ها و رویه هایی را برای حمایت و تضمین حقوق ماهوی مقرر می دارد. این حقوق را می توان حقوق بشر رویه ای گزینشی نامگذاری کرد»

اردتمند شما طوبی هاشمی

[www.hoqooq.eu](http://www.hoqooq.eu)